

شتاب علم و تکنولوژی در جا زدن ناممکن بشریت

ک. رحمانی

اوضاع جهان امروز نه تنها به غایت دشوار و پیچیده است بلکه خطرناک نیز هست. در کشورهای جهان سوم عملاً رشته های عالی تکنولوژی و گنجایش علمی صنایع داخلی دارند از بین می روند و خود علم، این پیشوای پیشرفت در نهایت فقر به سر می برد. در این کشورها شرکت ها و بانک های بزرگ خصوصی همانند دولتی در سایه، نه برای ارتقاء اقتصاد کشور بلکه در راستای از بین بردن آن می کوشند و با اعمال سیاست های خود ضمن خالی کردن خزانه دولتی، کشور را به دام وام های اسارت بار سمت دهی می کنند. سرمایه محاسبات روی آینده را با تنظیم دولتی اقتصاد پیوند می دهد.

شرکت های این چینی در سطح جهان که با هیچ یک از موازین شرافت بشری و انسانی موافق نیستند، همچنان به غارت کشورهای جهان سوم، با توسل به راه های گوناگون سیاسی و نظامی ادامه می دهند. در اینجا باید تذکر داد که سرچشمه های بحران های اقتصادی در آنارشی اقتصاد سرمایه داری قرار دارند نه در امکان متعادل کردن نیازهای بازار با تولید.

همه دستاوردهای سده بیستم زیر لوای سوسیالیسم، که طی سالیان تکامل خود در شرایط محاصره اقتصادی و انزوای سیاسی و با آهنگ بالای رشد نیروهای مولده و سطح زندگی مردم و با پیشرفت در رشته های آموزش، بهداشت، علوم، فرهنگ و شکل دادن ارزش های اخلاقی نوین نسبت به کار را نشان داده بود و در برچیدن سیستم جهانی استعماری نیرومند ترین تاثیر و نقش را داشت و صدها میلیون مردم کره زمین از حاکمیت دولتی برخوردار شده و به آزادی و استقلال دست یافته بودند، سپری شد.

می توان گفت که ویژگی تکامل جامعه معاصر رسوخ فعال دولت بورژوازی در فعالیت های اقتصادی است. زیرا دولت در گذشته که بطور عمده نیروی سیاسی بود، امروزه به نیروی اقتصادی عظیم تبدیل شده است. به همین دلیل دولت ها پاسخگوی مشکلات و دشواری های اقتصادی هستند و مسئولیت بحران ها، رکود، بیکاری و همه بلاهایی که بسر زحمتکشان می آید را بر عهده دارند. در نتیجه، درگیری های بین کارفرمایان و کارگران به درگیری های بین پرولتاریا و دولت بورژوازی تبدیل می شوند.

به همین دلیل نیز حرکت های زحمتکشان حتی در زمینه مسائل اقتصادی، مانند میزان حقوق، مدت و طول روز کار، تامین بازنشستگی، سنگینی مالیات ها و امثال آن در عمل به صورت مبارزه سیاسی در می آیند و این مبارزه نه تنها علیه سرمایه داران جداگانه بلکه علیه دولت آنها نیز معطوف می شود. جای تردید نیست که دولت بورژوازی حربه و سلاح طبقه سرمایه دار است.

امروزه بورژوازی نقش مترقی خود را بکلی از دست داده است. بورژوازی به علت عدم نیاز، شعارهای آزادی، دموکراسی و حقوق بشر را نیز از برنامه خود حذف کرده است و به علت همین عدم نیازها، خود در گنداب علمی و تکنیکی فرو رفته است. آیا بشریت امروز بطور عملی در تکنولوژی بزرگ و دوران سازی که طی نیم قرن اخیر در سیستم بازار-لیبرالی بوجود آورده است در جا نمی زند؟ چه پرواز به فضا، چه سلاح های اتمی و انرژی اتمی، چه تلویزیون و کامپیوتر و . . . همه اینها که اصولاً در سال های دهه سی و چهل قرن گذشته میلادی تدوین و طراحی شده بودند، بهبود و بازسازی شدند.

سؤال در اینجا است که به چه دلیل شرایط زیست بشریت چنانکه باید و شایسته است، رشد و ترقی نکرده است؟ چرا بشریت تا بحال به انرژی گرما هسته ای (ترمو نوکلئور) دست نیافته و سفینه های ستاره پیمای فوتونی ساخته نشدند و کجاست نانوتکنولوژی¹ لازم برای بشریت؟ پاسخ همه این سؤال ها دشوار نیست. برای عملی ساختن این تکنولوژی ها جابجایی نیروها در صحنه اقتصاد جهانی لازم است. امروزه دیگر در اقتصاد جهانی قواعد را شرکت های فراملی دیکته می کنند و از سوی دیگر نفی مارکسیسم به تحلیل گران بورژوازی به دلیل منافع طبقاتی مغرضانه امکان ارائه تماما درست توضیح همه آنچه که در جهان و کشورها روی می دهد را نمی دهد.

بشریت امروز در برابر امکانات تکنیکی ایجاد اقتصاد دارای منابع مستقل بر بنیاد بهره برداری از نانوتکنولوژی انرژی گرما هسته ای و رسیدن به فضا است. اما دولت ها و کشورهای دارنده این تکنولوژی شتابی برای برداشتن این گام ها از خود نشان نمی دهند. پیشرفت تکنیکی به تعبیر سرمایه داری امروز گویا چیزی جز تکامل بی پایان در صنایع سبک نیست که آن هم بیشتر تنها بخاطر پول است که بصورت کالا عرضه می شود.

تکنیک عالی که قرار بود به اقتصاد نوین یاری رساند دیگر فروپاشیده است. گویا همه چیز در یک مسیر حرکت می کند و آن هم چیزی جز مسیر بحران نیست که به همراه آن سودها نیز به خطر افتاده اند و سطح بالای بیکاری را بوجود آورده اند. تحول کنونی سرمایه داری و اهمیت تکنولوژی در آن، عمل تاثیر قوانین اقتصاد سرمایه داری را نه تنها از بین نبرده، بلکه فقط در اشکال بروز آن ها دگرگونی ایجاد کرده است. قانون اساسی و مسئله مرکزی اقتصاد سرمایه داری یعنی اضافه ارزش هنوز هم در تمام مراحل این سیستم در شکل سود عمل می کند. در مورد ادعای دمکراتیسم بورژوازی نمونه آن تراژدی نورلان آمریکا است که نشان دهنده آن است که این دمکراتیسم برای زیدگان و سران جامعه است نه برای توده های مردم فقیر.

از این رو لازم است که کمونیست ها و میهن دوستان کشورها برای توقف این فرآیند مخرب، بلحاظ سیاسی و تئوریک متحدا عمل کنند.

¹ Nanotechnologie